



رافیه احمدی *

چکیده

هدف اصلی این مقاله آشنایی با بعضی از دیدگاه‌های قرآنی مرحوم ابوالقاسم طهرانی -م-، ۱۳۱۲ ق- است. او با اعتقادی جازم در مورد تحریف ناپذیری قرآن به شدت با معاصر خود محدث نوری اختلاف نظر داشت. محدث نوری در «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» به نوعی تحریف قرآن اذعان نموده و طهرانی متقابلاً در «کشف الارتیاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب» که ردیه ای مستقیم بر کتاب نوری است، تحریف ناپذیری قرآن را ثابت کرده است.

کلید واژه‌ها: طهرانی، نوری، تحریف، شیعه، فصل الخطاب، کشف الارتیاب، قرن چهاردهم.

مقدمه

بحث تحریف پذیری یا تحریف ناپذیری قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی است که هر از گاهی توسط کسی یا کسانی علم شده و در پرتو آن دیدگاه‌هایی موافق یا مخالف پا به عرصه وجود می‌گذارند. در این مقاله بحث رویارویی دو دانشمند روحانی معاصر، هم تراز، هم دوره و هم درس است. این دو گرچه که بر سر خوان گسترده علوم اسلامی شیعی

* . دانش آموخته کارشناسی ارشد . « استاد راهنما: دکتر امیر جودوی، عضو هیأت علمی دانشگاه یزد» .

- حتی در یک مدرسه - نشسته و از سفره آن لقمه برگرفته اند، اما در مورد تحریف، یکی دیدگاهی موافق و دیگری نگرشی کاملاً متمایز و مخالف دارد.

کتابشناسی:

الف: خطبه کتاب وانگیزه مؤلف:

مرحوم طهرانی مقدمه کتاب خود را با خطبه ای مختصر آغاز کرده و در تبیین انگیزه خود از نگارش گفته است: همواره از ظهور و بروز فرقه های گمراه کننده که روز به روز هم بیشتر می شدند در حیرت بودم تا این که اخیراً به فرقه ای جدید برخورد کردم که در مقایسه با دیگر فرقه ها بسیار وسیع و اساسی عمل می کرد، بدین صورت که فرقه های قبلی نهایتاً بخشی از ضروریات دین را رد کرده و بخشی از منکرات را مباح و روا می شمردند؛ اما این فرقه جدید^۵ اصول و اساس دین را هدف قرار داده، نبوت رسول خدا (ص) را انکار و قرآن را کتابی تحریف شده معرفی کرده بود. انتظار ابتدایی من از علماء و فضلاء خودمان این بود که به این دست شبهات به ویژه شبهه تحریف قرآن پاسخ دهند؛ اما - برخلاف انتظار - به یکباره، با رساله «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» حاج میرزا حسین نوری^۶ مواجه شدم که نه تنها از تحریف ناپذیری قرآن دفاع نکرده، بلکه همنوا و همصدا با آنان به تحریف قرآن معتقد شده، و بر آن به زعم خود استدلال نموده و اعتقاد به آن را به جمهور قدما و اکثر محدثان و بزرگان ازم تا آخرین نسبت داده بود! چه باید می کردم؟ بعد از تأملی طولانی بر خود واجب کردم، اول کتابی در نقد نظرات ایشان بنویسم تا نوبت به دیگران برسد و خداوند تبارک و تعالی را شاهد می گیرم که با این نوشته، قصد رسواسازی و بدگویی از این دانشمند فاضل را ندارم؛ بلکه فقط هدفم یاری دین و زدودن شبهات زشتی است که از طریق کتاب ایشان براذهان مسلمانان نشسته است.^۷

ب: بررسی سازماندهی اجزای کتاب: ساختار و سازماندهی کتاب طهرانی به سبک قدیم و در قالب یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است.

مقدمه کتاب کشف الارتیاب: طهرانی در مقدمه کتاب ابتدا عقیده محدث نوری را در باره انواع تحریف توضیح داده که این تحریفات از یک طرف به افزودن، کم کردن و تبدیل تقسیم شده و از طرف دیگر به سوره، آیه، حرف، اعراب، ترتیب سوره ها و آیه ها و کلمات مرتبط گشته که با افزودن مثال ها به حجم قابل ملاحظه ای هم رسیده است.^۸ از دید نوری گر چه تحریف به معنی زیاد شدن سوره و آیه و تبدیل و تغییر آنها غیر ممکن

است؛ اما تحریف در بقیه صورت‌ها امکان‌پذیر است. در پایان هم نظر نوری رادرباره منابع مورد استفاده متذکر شده که گفته: این احادیث همگی از کتاب‌های معتبری که تکیه گاه علمای ماست، نقل شده است.^۹ نتیجه این که به عقیده نوری میزان روایات منقول درباره تحریف در حد تواتر معنوی است.

مرحوم طهرانی پس از بیان این اقوال به پیامدهای ناگوار این سخنان اشاره کرده و گفته: لازمه پذیرش این سخنان اعتقاد به عدم تواتر قرآن است، و وقتی تواتر بخشی از قسمت‌های قرآن منتفی باشد، متواتر بودن دیگر بخش‌ها و کل نیز منتفی خواهد بود؛ زیرا اجزای قرآن از لحاظ لزوم داشتن تواتر یکسان هستند و بخش‌هایی از آن نسبت به دیگر بخش‌ها اولویتی ندارند. وقتی تواتر قرآن که بزرگترین معجزه پیامبر (ص) است، منتفی اعلام شود، مسلماً هیچ معجزه‌ای از آن رسول (ص) قابل اثبات نخواهد بود، و برای اسلام همین نقصان و سستی کافی است که برای پیامبرش معجزه خاصی وجود نداشته باشد که به طور متواتر از او نقل شده باشد.

مقاله اول: این مقاله به تبیین اقوال و سخنان علمای شیعه درباره تحریف ناپذیری قرآن اختصاص دارد. وی ابتدا به ادعا و حتی اجماع علمای شیعه به تحریف ناپذیری قرآن به طور مطلق و سپس به اسامی و دلایل اشخاص ذیل در این زمینه اشاره و استناد کرده است:

۱. شیخ صدوق در رساله اعتقادات گفته است: «قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) همین است که در دست مردم است و زیاده بر این نیست. البته آنقدر وحی غیر قرآنی نازل شده که اگر به قرآن اضافه گردد تعداد آن بیشتر خواهد شد... امثال این کلام‌ها، که همگی وحی هستند، اما قرآن نیستند، بسیار است و اگر قرآن بود، مطمئناً همراه و متصل با آن بود نه جدای از آن.^{۱۰}

۲. سید مرتضی علم الهدی - م. ۴۳۶ هـ. ق. - در اجوبة المسائل الطرابلسیات آورده است: قرآن در زمان رسول اکرم (ص) جمع آوری و تالیف شده - مطابق آنچه هم اکنون می‌باشد.^{۱۱}

۳. طوسی در تبیان گفته است: افزوده شدن به قرآن با اجماع، مخالف و کم شدن قرآن نیز با ظاهر مذهب ناسازگار است.^{۱۲}

شیخ در ارزش‌گذاری نهایی، روایات وارده در این زمینه را واحد دانسته و با استناد به حدیث ثقلین معتقد است امر کردن امت به تمسک به چیزی که قدرت دستیابی به آن را ندارند، روا نمی‌باشد.

۴. مرحوم طبرسی در مجمع البیان گفته است: و اما زیاد شدن در قرآن، بر بطلان آن اقامه اجماع شده و اما کم شدن از قرآن، عقیده درست مذهب ما با آن مخالفت دارد. ۱۳

۵. مرحوم علامه حلی در «تذکره» ذکر نموده است: واجب است در نماز، آیات متواتر خوانده شود و «مصحف علی» حاوی این آیات متواتر بوده است. و در «اجوبة المسائل المهنائية» گوید: حقیقت آن است که در آن هیچ تبدیل، تأخیر و تقدیمی روی نداده و کم و زیادی در آن واقع نشده است. من از داشتن چنین اعتقادی به خدا پناه می‌برم، زیرا پذیرش آن موجب انکار معجزه پیامبر (ص) می‌شود؛ معجزه ای که به صورت متواتر برای ما بازگوشده است. ۱۴

۶. شیخ بهایی در مورد ترتیب سوره‌ها گوید: حقیقت این است که عمل جمع و ترتیب قرآن در زمان شخص رسول (ص) انجام شد اما نه توسط او.

۷. جواد بغدادی کاظمی. ۸. مولی صالح مازندرانی. ۹. تستری. ۱۰. زین الدین بیاضی. ۱۱. شیخ حرعاملی، ۱۲. شیخ علی بن عبد العالی. ۱۳. شیخ جعفر کاشف الغطاء. ۱۴. سید محمد طباطبایی.

طهرانی سپس به عنوان نتیجه می‌گوید: بنا بر این مقصود احادیثی که بر تحریف و تبدیل قرآن دلالت دارند، تحریف معنوی است و اگر قرآن تحریف لفظی شده بود روایاتی متواتر در خصوص آن به دست ما می‌رسید.

در اوراق پایانی این مقاله مرحوم طهرانی، اسامی، مأخذ، سخنان و دلایل کسانی را ذکر کرده که میرزا حسین نوری آنها را معتقد به تحریف دانسته است؛ در حالی که وقتی به اصل سخنان آنان مراجعه می‌شود واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد. این اشخاص عبارتند از:

۱. مرحوم شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۱۴ - ۱۲۱۸ ه. ق). مرحوم طهرانی گوید: عجیب اینکه محدث نوری تحریف را به محقق انصاری نسبت داده، در حالی که سخن مرحوم انصاری این است: احادیثی که به شیعه قرائتی شبیه قرائت مردم را دستور می‌دهد در حقیقت حذف زیاداتی را خواستار است که برخی از اصحاب ائمه (ع) به آن تکلم داشته‌اند. ۱۵ و چنان که می‌بینی این سخن هیچ ربطی به تحریف ندارد و در ادامه می‌گوید، در رساله «حجیة الظن». ۱۶ نیز مرحوم انصاری مطلب را با شرط - به فرض اعتقاد بر آن - آورده، در حالی که محدث نوری گویا سهواً این قسمت را از قلم انداخته است.

۲. ملا صالح مازندرانی: ^{۱۷} مرحوم طهرانی گوید: ملا صالح در تفسیر آیه ۲۹ سوره ملک «فستعلمون من هو فی ضلال مبین» به روایت: یا معشر المکذبین حیث انباتکم رساله ربی فی ولایة علی و الائمه من بعده؛ اشاره کرده، سپس می گوید: البتة معصوم (ع) از قرائت قرآن با چنین زیاداتی ممانعت کرده اند. اما محدث نوری این را دلیل بر اعتقاد او به تحریف به نقیصه دانسته، در حالی که چنین اعتقادی سهو آشکار است.

۳. سید علیخان مدنی: ^{۱۸} از جمله کسانی است که محدث نوری با استفاده از «شرح صحیفه» او را معتقد به تحریف معرفی کرده است. مرحوم طهرانی ابتدا به «شرح دعای ختم القرآن» که محل مورد اشاره محدث نوری بوده، مراجعه کرده و سپس گفته است: من هیچ سخنی که نشان دهنده اعتقاد وی به تحریف باشد از آن نیافتم. ^{۱۹} سید علیخان در این قسمت ابتدا عبارت صدوق و نظر طبرسی را در مجمع البیان متذکر شده، در ادامه دیدگاه یکی از متأخرین معتقد به تحریف را که شاید سید جزایری باشد طرح کرده و با سریان دادن بحث به کتب اهل تسنن در پایان گفته است: اما آنها نیز بر مطالب و محتویات همین مصاحف مشهور اجماع کرده و برکنار نهادن هر چیزی که مخالف آن باشد، خواه در قالب افزایش یا کاستی و یا تبدیل شدن کلمات به یکدیگر که دلیلی مستفیض بر قرآن بودن آن در دسترس نباشد، توصیه کرده اند. مرحوم طهرانی پس از نقل سخن نهایی سید گوید: پوشیده نیست صرفاً طرح سخنان مذکور بدون ترجیح یک اعتقاد بر دیگری و آگذاری علم آن به پروردگار، همان دأب و روش سید علیخان در بیشتر مسائل مورد اختلاف است و تا حدی که من اطلاع دارم جز این در هیچ کجای دیگر از شرح او بحث تحریف مطرح نشده است.

۴. محمد باقر اکمل بهبهانی؛ فرید بهبهانی.

۵. ابوالقاسم بن حسن گیلانی، فاضل قمی.

مقاله دوم: این مقاله پس از مقاله اول - که به بیان اقوال علماء اختصاص داشت - بیشتر به عرضه دلایل مرحوم طهرانی اختصاص دارد و قدرت استدلال و استنباط او را نشان می دهد. وی ابتدا امکان وقوع تحریف در قرآن را به دو صورت ذیل تبیین کرده است: الف: وقوع تحریفاتی که با قطعیت الفاظ قرآن رایج و موجود بین دو جلد منافات دارد؛ از قبیل تبدیل شدن بسیاری از کلمات قرآن به کلمات مردم معمولی و زیاد شدن برخی کلمات به قرآن و کم شدن بعضی از حروف و افزایش بعضی حروف در برخی کلمات.

ب: وقوع تحریفاتی که منافاتی با قطعیت الفاظ رایج قرآن ندارند؛ از قبیل بعضی افتادگی‌های غیرقرآنی و نیز اختلاف در ترتیب آیات و سوره‌ها.

سپس در پاسخ به مبحث «الف» یعنی وقوع تحریف از نوع اول گوید: وقوع چنین تحریفی در قرآن منتفی است. زیرا تحریفاتی از این دست یا به زیادت است یا به نقصان و یا به تبدیل. در مورد زیادت اجماع وجود دارد که رخ نداده و سخنان شاذ نیز استحکام این اتفاق نظر و اجماع را در هم نمی‌شکند. لفظ زیادت و تحریف زیادت، تبدیل آیات و سوره‌ها را نیز در بردارد. زیرا کسی که به عنوان مثال حرفی را به حرفی تبدیل کند، در حقیقت چیزی را کاسته و چیز دیگری را افزوده است؛ لذا وقوع تحریف از نوع تبدیل نیز منتفی است. به علاوه که این سری اقوال، خبر واحدند. دست آخر باقی می‌ماند روایاتی که مدعی تحریف به نقصان هستند که به نظر من دوازده ایراد و اشکال^{۲۰} ذیل بر آنها وارد است:

۱. تقابل پذیرش عدم جمع آوری بخش‌هایی از قرآن و لزوم نفی تواتر بخشی دیگر از قرآن با کثرت انگیزه‌ها برای نقل قرآن و تواتر همه آن.

۲. وجود انگیزه‌هایی مشابه برای نقل متواتر همه قرآن و بخش‌هایی که ادعای ضایع شدن آن رفته به دلیل عدم برتری بخش‌هایی از قرآن بر بخش‌های دیگر آن.

۳. منجرشدن پذیرش تحریف به نقیصه به کوتاهی رسول خدا (ص) در انجام وظیفه و اشاعه و القای بخشی از قرآن ناصواب بودن این سخن.

۴. برابری تعداد احادیث مدعی تحریف قرآن به صورت افزایش، به صورت تقریبی با تعداد احادیث مدعی تحریف قرآن در قالب کاستی و اعراض و تاویل بالاتفاق تمامی علمادر مورد دسته اول و لزوما اعراض و تاویل در مورد دسته دوم به دلیل وحدت این دو مجموعه نادرستی و بی‌معنایی تفکیک شیء واحد.

۵. تعارض مفاد و مضامین روایات^{۲۱} مدعی تحریف به نقصان با اعجاز ادبی و بلاغی قرآن.

۶. عدم مشابهت مضامین سوره‌های مدعی نقصان با سبک و اسلوب قرآن.^{۲۲}

۷. مخالفت مفاد و مضامین^{۲۳} روایات مدعی تحریف به نقیصه با سیره و عمل کرد رسول خدا (ص).

۸. تعطیل شریعت اسلامی در صورت پذیرش ادعای تحریف به نقیصه در باره مواردی غیر صحیح از قبیل حذف بخش‌هایی از آیات احکام و غیره.

۹. فقدان ادعای وجود نام علی (ع) در قرآن در احتجاجات موجود علی (ع) با صحابه.

۱۰. تعارض مفاد این روایات با آیه ۹ سوره حجر: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» .
۱۱. تعارض محتوای این روایات با آیه ۴۱ سوره فصلت: «و انه لكتاب عزیز...» .
۱۲. تعارض محتوای این روایات با لزوم عرضه احادیث بر قرآن و لزوم کسب اعتبار ابتدایی حدیث از قرآن و مواجهه با تکلیف مالا یطاق .

متأسفانه مرحوم طهرانی در مورد وقوع تحریف از نوع «ب» یعنی دوم به ویژه اختلاف نظر در مورد ترتیب آیات و سوره‌ها و توقیفی و اجتهادی بودن آنها توضیحی نمی‌دهد و به نظر می‌رسد که گرچه در مورد تحریف به نقیصه و زیادت تعصب ممدوحی نشان داده و به شدت از عقیده به تحریف دفاع کرده است، اما متوجه نبوده که تحریف به جابه‌جایی و اعتقاد به اجتهادی بودن ترتیب آیات و سور نیز به همان میزان خطرناک و مشکل‌آفرین خواهد بود، به تعبیر دیگر همین سخن مرحوم طهرانی که می‌گوید تحریف از نوع اختلاف در ترتیب آیات و سورها منافاتی با قطعیت الفاظ قرآن رایج ندارد، بیانگر غفلت عظیمی است که وی نسبت به بررسی زبان و بیان قرآن به عنوان یک ساختار و مجموعه واحد مرتکب شده است .

مقاله سوم: موضوع مقاله سوم کتاب طهرانی، نقد دوازده دلیل محدث نوری در فصل الخطاب است که چون در قسمت‌های دیگر بنوعی تکرار شده لذا از ذکر مفصل آن صرف نظر می‌شود .

خاتمه: در خاتمه کتاب، طهرانی به پی آمدهای فاسد و مضر اعتقاد به تحریف پرداخته، فرق تحریف از دید نوری را با بقیه علمای شیعه بررسی نموده و با تکیه بر مباحث اصولی شیخ انصاری راه حل نهایی را عرضه کرده است .

آخرین عبارات نسخه خطی:

در پایان کتاب وی در نسخه خطی اول آمده است: الحمد لله، مفساد اعتقاد به تحریف قرآن را از ریشه و بن، به نحوی که مستغنی از دیگر مطالب باشی؛ برای روشن ساختن و این آخرین مطلبی است که نوشته‌ام. از خداوند مسئلت دارم که آنچه را نوشته‌ام در دیوان صالحات ثبت نموده و به وسیله آن آنچه را فرشتگان کاتبش از سیئات نوشته‌اند محو گرداند زیرا او «ولی الخیرات» است .

و در نسخه خطی دوم از قول کاتب آمده است: رونویسی این کتاب توسط محمد ملقب به قاسم پسر مرحوم حاج ملا خلیل باکوبی در شهر ری در ماه جمادی الاول سال ۱۳۱۸ هـ. ق به پایان رسید .

۴. تأثیر این کتاب بر میرزا حسین نوری در تعدیل عقاید

مرحوم آقا بزرگ طهرانی می گوید: وقتی کتاب «کشف الارتیاب» به دست جناب نوری رسید رساله مستقلی به فارسی در جواب مرحوم طهرانی نوشت و چون نگارش این رساله پس از چاپ و انتشار «فصل الخطاب» انجام شده بود، گفت: از کسی که فصل الخطاب را بدون این رساله فارسی مطالعه و اظهار نظر کند، راضی نیستم. وی در این رساله فارسی گفته: مقصود من از تحریف، تغییر و تبدیل نیست بلکه افتادگی بخش هایی از وحی است که در نزد اهلش محفوظ مانده است. من حتی در کتاب فصل الخطاب ثابت کرده ام که قرآن کنونی به همان صورتی که در عصر عثمانی بوده باقیمانده است. من می پذیریم که در نام گذاری کتابم به «فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب» اشتباه کرده ام یعنی باید آن را «فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب» می نامیدم، زیرا هدفم اثبات اسقاط بخشی از وحی نازل شده بوده لذا می توانی آن را «القول الفاصل فی اسقاط بعض الوحی النازل» بنامی. ۲۴

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در ادامه می گوید: ما شاهد بودیم که وی برای مضامین احادیث تحریف ارزشی قائل نبوده و آنها را خبر واحد می دانست. ۲۵

مرحوم آیت الله معرفت گوید: کتاب «کشف الارتیاب» از چنان استدلالات متین و براهین قاطعی برخوردار بود که شیخ نوری را ناچار ساخت تا اندازه ای از نظر خود برگردد. ۲۶

۱. موجود می باشد، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۵۴۹۲ می باشد.

۲. معارف الرجال فی تراجم العلماء والاولیاء، محمد حرزالدین.

۳. اعیان الشیعة، ۱۰/۱۰۱.

۴. گویا تصویری از نسخه اصلی در کتابخانه شخصی آقای استادی موجود است و نسخه ای نیز در «جبل عامل» لبنان.

۵. ر. ک. میزان الحق فی الرد علی المسلمین؛ مفتاح النبوة، ارشاد المضلین فی نبوة خاتم النبیین، و سخن اربنبیگ انگلیسی که گفته: در اثبات نبوت رسول (ص) به قرآن و احادیث نمی توان استناد کرد زیرا قرآن بعد از رسول (ص) به اعتراف خود مسلمانان از سوی صحابه بی پروا و بدخواه آن حضرت (ص) تحریف شده است. وقتی موضع آنان در قبال قرآن چنین باشد مسلماً احادیث آن حضرت (ص) نیز تحریف شده است.

۶. برای آشنایی با شخصیت، زندگینامه و کتاب میرزا حسین

۱. برای درک هر چه بهتر بعد علمی تهرانی لازم است درس استدلالات وی با نظرات یکی از معاصران در مورد تحریف، مثلاً: آیه الله خویی در بخش تحریف «البیان» مقایسه شود، با توجه به سبقت زمانی وی می توان ادعا کرد بسیاری از همان مطالب در «البیان» با انشاء دیگری تحریر شده است.

۲. معارف الرجال فی تراجم العلماء والاولیاء، محمد حرزالدین.

۳. اعیان الشیعة، ۱۰/۱۰۱.

۴. گویا تصویری از نسخه اصلی در کتابخانه شخصی آقای استادی موجود است و نسخه ای نیز در «جبل عامل» لبنان.

۲۰. چنان که گفتیم، بین این کتاب و کتاب مرحوم آیه الله خوبی «البيان» شباهت های زیادی در عرضه دلایل و نحوه استدلال وجود دارد که خود محتاج کاری جداگانه است این شباهت به خوبی می تواند قدرت علمی و نقادی مرحوم طهرانی را به اثبات برساند.

۲۱. الشيخ و الشیخة او اذا زنيا فارجموهما...؛ و انه فيه الى آخر الدهر...؛ و على الذين يصلون في الصوف الاول.

۲۲. سوره خلع و حنفد، و لو كان لابن آدم واديان من المال لاتبعني واديا ثالثا و لايملاء جوف ابن الا التراب

۲۳. روایاتی که مدعی اند نام ۷۰ تن از منافقان در قرآن بوده است یا لعنت بر آنها صریح و مستقیم در قرآن وارد شده است.

۲۴. الذریعة: آقا بزرگ طهرانی: ۱۶ / ۲۳۱ / ر-ک؛ مقدمه مستدرک الوسائل.

۱. امروزه نیز کسانی معتقدند وحی اعم از وحی قرآنی و غیر

قرآنی است. و پیامبر (ص) چون امی بودند تفسیر قرآن نیز برای ایشان وحی می شد و آن را به علی (ع) املاء کرده و ایشان (ع)

می نوشتند، لذا اگر هم شیعه معتقد باشد قرآن تحریف شده مقصودش قرآن علی (ع) است که در آن، همین قرآن کنونی با

تفسیر همراه بوده است. بخش قرآن مصحف علی (ع) تحریف نشده است لذا از این دیدگاه شیعه معتقد به تحریف

نیست بلکه اعتقاد دارد که از میان مصحف و قرآن علی (ع) که وحیانی بوده، قسمت وحیانی - غیرقرآنی، یعنی: تفسیر آن

تحریف شده است. ۲. مرحوم آقا بزرگ در دفاع از شیخ خودنوری، «مسألة النقد الطيف في نفي التحريف عن

القرآن الشريف» را نوشته است. الذریعة، ۴ / ۲۷۸ / ۳.

الذریعة، ۳ / ۳۱۳ / ۴. از دیگر کسانی که علیه نوری کتاب نوشت مرحوم سید محمد حسین شهرستانی - م ۱۳۱۵ هـ. ق -

است نام کتاب وی «حفظ الكتاب الشريف عن شبهة القول بالتحريف» است.

۲۵. الذریعة: آقا بزرگ طهرانی: ۱۶ / ۲۳۱ / با تصرف و نیز - ک؛ مقدمه مستدرک الوسائل.

۲۶. مصونیت قرآن از تحریف محمد شهرابی فراهانی، قرآن در اینترنت نسخه ۳.

نوری ر. ک: افسانه تحریف قرآن / ۱۳۲؛ هشت رساله عربی / ۲۷۸؛ طبقات اعلام الشيعة نقباء البشر فی القرن

الرابع عشر / ۵۴۳؛ فواید الرضویة / ۱۴۹؛ معجم المؤلفین، ۴ / ۴۶؛ اعیان الشیعة، ۶ / ۱۴۳؛ تفسیر نمونه، ۱۱ / ۳۱؛

معارف الرجال، ۱ / ۲۷۱؛ مستدرک الوسائل / مقدمه؛ مکارم الآثار، ۵ / ۱۴۶؛ الذریعة، ۴ / ۱۴۳ و ۱۰ / ۲۲۰ و ۱۱ / ۱۸۸ و ۱۶ / ۲۳۱ و ۱۸ / ۲۹.

۷. کشف الارتباب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب / ۵.

۸. کشف الارتباب، حدود ۴۷ صفحه، در فصل الخطاب / ۲۳ و ۲۴ محدث نوری ۱۹ عنوان برای اقسام تحریفات

می آورد که عبارتند از زیاد کردن سوره، تبدیل کردن سوره و... ۹. فصل الخطاب / ۲۵۱.

۱۰. ترجمه اعتقادات «صدوق، قلعه کهنه / ۱۲۴ - ۱۲۶ / ب ۳۳.

۱۱. أجوبة الطرابلسيات / ۳۹؛ الأملی، ۱ / ۸۴؛ الذریعة، ۵ / ۲۲۶، دلایل سید مرتضی: وفور انگیزه ها در نقل و

پاسداری از قرآن و فصاحت و بلاغت بالای قرآن در مقایسه با کتاب های ادبی بشری مثل کتاب سیبویه و... است.

۱۲. التبیان / ۳۹؛ روضات الجنات، ۶ / ۲۱۶؛ ریحانة الادب، ۳ / ۳۲۵؛ معجم المؤلفین، ۹ / ۲۰۲.

۱۳. مجمع البيان / ۱۵؛ ریحانة الادب، ۴ / ۳۶؛ هدية العارفين، ۱ / ۸۲۰؛ مقدمه تفسیر مجمع البيان / ۱۵ / فن

پنجم. ۱۴. أجوبة المسائل المهناثية / ۱۲۱؛ روضات الجنات، ۷ / ۵۶. و این ادعا را آیه: «فأتوا بسورة من مثله» (البقرة، ۲ / ۱۳) تایید می کند.

۱۵. ریحانة الادب، ۱ / ۱۸۹.

۱۶. همان، تحریف شدن قرآن به فرض اعتقاد بدان مانع از تمسک به ظواهر آن نیست.

۱۷. بحار الانوار، ۸۹ / ۸۸؛ اصول کافی، ۲ / ۶۳۱؛ ریحانة الادب، ۱ / ۱۸۹.

۱۸. همان

۱۹. کشف الارتباب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب / ۲۵۶ به بعد.